



به یاد شاعر کارگران و زحمتکشان،
شور آزادی و انقلاب، نویسنده کمونیست
«رفیق جانفشان فدائی سعید سلطان پور»

«بهمن فریاد»

بگو چگونه بخوانم سرود زندان را
بدون حنجره سوخته ای که
رود را با فراز و فرود می سرود
و می دانست
وقتی که «دشمن مردم»*
بر همه جا سیطره دارد
«آموزگاران» قبل از حضور
در صحن کلاس، بازداشت می شوند
نقشی هم از «چهره سیمون ماسار» باقی نمی ماند
تا «مرگ در برابر» را نظاره کند
فقط «از کشتارگاه» است
که «آوازه‌های بند» را می توان شنید
وقتی که پاسداران سرمایه در برابر
«نوعی از هنر، نوعی از اندیشه»
عنان اختیار از کف می دهند
با فرمان دژخیم
به هر سوی شلیک می کنند
تا شامگاهان، جویباری ارغوانی
از زخم تن تپه های اوین جاری گردد
و بردرگاه هر خانه ای طناب دار
که مادران نیمه شبان، در دل خاک
زرفتن گلها نشان جویند
و «نعره برکشند از آتش جگر در باد»
«بگو که بلرزد باز این نواحی بیداد
به نعره های توانای بهمین فریاد»

محمود خلیلی
۳۰ خرداد ۱۳۸۹

*نوشته های داخل گیومه نام نمایشنامه ها، کتاب ها، و از اشعار رفیق جانفشان فدائی سعید سلطانپور است.